Morabeteh in the religious community from the perspective of Allameh Tabatabai and Ayatollah Javadi Amoli Emphasizing the verse:

«يأيها الَّذين ءامَنُواْ اصْبِروا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا»

Mohammad Faker Meibodi[1] *Mohammadreza Haghighat Semnani*[2]

Abstract

One of the basic elements of religious socialization is connections and the extensive social ties between believers in the religious community. Morabeteh in verse 200 of Al-Imran is one of the important Quranic keywords which explains the quality of these relations; Two great contemporary Shiite commentators, Allameh Tabatabai and his prominent student, Ayatollah Javadi Amoli, have studied and explained the relationship in the holy verse. This study analytically and descriptively explains the views of these two great commentators on the Morabeteh in the holy verse and extracts the Quranic theory about the Morabeteh in the religious community.

This Topic has a special place in social issues, especially the modern Islamic civilization and the social approach of these two commentators in interpretive issues doubles the importance of addressing this issue.

Some of the results obtained in this research are: Morabeteh has a single meaning, but it has several instances; the nature of Islam is social and its laws and orders are also social; God obliges the believers to socialize on the basis of religion by commanding the Morabeteh. Socialization is the intellectual and practical relationship among the believers with each other in all aspects of social life, which will lead to an increase in the forces of individuals in society, in order to achieve worldly and

1.Professor and faculty member of Al-Mustafa International University, Quran and Hadith Department.
Email: M_FAKER@MIU.AC.IR.
2. PhD Student in Comparative Interpretation, Al-Mustafa International Society. (Responsible author)
Email: mohammad.hagh54@yahoo.com.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-18]

otherworldly happiness. There is a close connection between the Morabeteh with patience, reconciliation and piety which are mentioned in the holy verse and the result of institutionalizing the four intertwined values will be the achievement of social welfare for the religious community.

Keywords: Morabeteh from Allameh Tabatabai's point of view, Morabeteh from Ayatollah Javadi Amoli's point of view, the role of Morabeteh in the religious community, synergy in the religious community.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-18]

«دوفصلنامه فرهنگ پژوهی اخلاق در جامعه اسلامی»

سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۳

مرابطه در جامعه دینی از دیدگاه علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی

با تأکید بر آیه: «یأَیهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ اصْبرِواْ وَ صَابِرُواْ وَ رَابِطُواْ»

محمد فاکر میبدی[۱]، محمدرضا حقیقت سمنانی[۲]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱/۲۱ – تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۴/۵)

چکیده

یکی از ارکان اساسی جامعه‌سازی دینی، پیوندها و ارتباطات اجتماعی گسترده میان مؤمنان در جامعه دینی است. مرابطه در آیه ۲۰۰ آل عمران یکی از کلیدواژه‌های مهم قرآنی است که عهده‌دار تبیین کیفیت این روابط است؛ دو مفسر بزرگ معاصر شیعه علامه طباطبایی و شاگرد برجسته ایشان آیت الله جوادی آملی به بررسی و تبیین مرابطه در آیه شریفه پرداخته‌اند. این تحقیق به روش تحلیلی و توصیفی آراء این دو مفسر بزرگ پیرامون مرابطه در آیه شریفه را تبیین و نظریه قرآن درباره مرابطه در جامعه دینی را استخراج می‌کند. این موضوع جایگاه ویژه‌ای در مباحث اجتماعی خصوصاً تمدن‌سازی نوین اسلامی دارد و رویکرد اجتماعی این دو مفسر در مباحث تفسیری، اهمیت پرداختن به این موضوع را دوچندان می‌کند.

۱. استاد و عضو هیأت علمی جامعه المصطفی العالمیه، گروه قرآن و حدیث.
رایانامه: m_faker@miu.ac.ir.
۲. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی، جامعه المصطفی العالمیه. (نویسنده مسئول)
رایانامه: mohammad.hagh54@yahoo.com.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-18]

بخشی از نتایج به دست آمده در این تحقیق عبارت است از: مرابطه مفهومی واحد، اما مصادیق متعددی دارد؛ ماهیت دین اسلام، ماهیتی اجتماعی و قوانین و دستورات آن نیز اجتماعی است؛ خداوند با امر به مرابطه مؤمنان را مکلف به جامعه‌سازی بر محور دین می‌کند. جامعه‌سازی ترابط فکری و عملی میان مؤمنان با یکدیگر در همه شئون حیات جمعی است که منجر به هم‌افزایی در نیروهای آحاد جامعه، جهت نیل به سعادت دنیوی و اخروی جامعه خواهد شد. میان مرابطه با صبر، مصابره و تقوا که در آیه شریفه مطرح شده پیوندی وثیق است که نتیجه نهادینه‌سازی چهار ارزش درهم تنیده، حصول فلاح اجتماعی برای جامعه دینی خواهد بود.

واژگان کلیدی: مرابطه از دیدگاه علامه طباطبائی، مرابطه از دیدگاه آیت الله جوادی آملی، نقش مرابطه در جامعه دینی، هم‌افزایی در جامعه دینی.

مقدمه

آیه شریفه ۲۰۰ آل عمران مؤمنان را به مرابطه امر نموده و این ارزش اجتماعی را قرین صبر، مصابره و تقوا نموده است. مرابطه ایجاد پیوندهای اجتماعی در راستای جامعه‌سازی و برقرار کردن ارتباط و اتصال میان قوا، نیروها، افعال و کارهای آحاد جامعه در همه شوون زندگی است تا با برقراری این روابط همه جانبه و هم‌افزایی اجتماعی در ساحت فکر و عمل آحاد جامعه، جامعه‌ای منسجم زیر لوای اولیای دین بر محور قرآن و معارف دینی شکل بگیرد و جامعه به فلاح و سعادت حیات جمعی خود نائل شود.

برای مرابطه مصادیق فراوان نظامی، اجتماعی و... بیان شده است؛ مانند انتظار بعد از نمازی برای فرارسیدن وقت نماز بعدی، آمادگی و پابه‌رکاب‌بودن در

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-18]

راه خدا، مرزداری و محافظت از مرزها و آمادگی دائم برای صیانت از حدود و ثغور اسلامی، ایجاد رابطه با آحاد و افراد جامعه و ارتباط با اولیای دین و امامان معصوم علیهم السلام و امر به معروف و نهی از منکر؛ اما مفهوم آیه ارتباط مسلمانان با یکدیگر و همکاری‌های اجتماعی در راستای جامعه‌سازی بر محور دین است.

روش پژوهش با توجه به تبیین آراء دو مفسر بزرگ قرآنی و تحلیل آرائشان، توصیفی- تحلیلی است و روش گردآوری منابع کتابخانه‌ای و مراجعه به اسناد نوشتاری است.

مفسران قرآنی از دیرباز تاکنون تبیین‌های متفاوتی از آیه شریفه داشته‌اند، علامه طباطبایی و آیت الله جوادی با توجه به جامعیتی که در روش تفسیری خود دارند به تبیینی اجتماعی از آیه شریفه پرداخته‌اند.

با توجه به ماهیت اجتماعی دین اسلام و تکلیفی که آیه شریفه برای عموم مؤمنان در برقراری پیوندهای اجتماعی و جامعه‌سازی دینی معین می‌کند، ضرورت تفسیر آیه با نگاهی اجتماعی روشن می‌شود؛ در این راستا پژوهش حاضر مرابطه در جامعه دینی از دیدگاه علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی را با تأکید بر آیه: «یأَیهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ اصْبرِواْ وَ صَابِرُواْ وَ رَابِطُواْ» (آل عمران، ۲۰۰) بررسی نموده است. ابتدا مفاهیم مرابطه، صبر و جامعه را بررسی نموده و به مصداق‌شناسی مرابطه می‌پردازد، سپس جایگاه مرابطه را در ابعاد اجتماعی اسلام روشن می‌سازد و در نهایت نقش مرابطه را در جامعه‌سازی دینی و تحقق سعادت دنیوی و اخروی جامعه تبیین می‌کند.

پیشینه

به طور عام همه تفاسیر شیعه و سنی، به تبیین آیه ۲۰۰ آل عمران -به اجمال یا تفصیل- در کتب تفسیری پرداخته‌اند؛ اما به طور خاص مقالاتی در این زمینه نوشته شده است که برخی از آنها عبارت‌اند از: مقاله تحلیل تفسیری جایگاه و نقش

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-18]

«مصابره» و «مرابطه» در پیوند با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، با محوریت آیه ۲۰۰ سوره آل عمران. این مقاله درصدد تبیین مرابطه به معنی مرابطه با امام زمان بر پایه تفسیر روایی از آیه شریفه است که به حیث جامعه‌شناختی و سایر جهات و تفسیر آیه به روش قرآن به قرآن نپرداخته است؛ همچنین مقاله‌ای توسط آیت الله جوادی با نام آزادی اندیشه، بهترین راه مرابطه نگارش یافته که در آن نویسنده در مقدمه درصدد آن است ترابط فکری مطرح در آیه را با مفهوم آزادی اندیشه پیوند دهد؛ اما محوریت مقاله بحث آزادی است نه مرابطه؛ همچنین مقاله‌ای با عنوان عوامل هم‌افزایی و دستاوردهای آن در همکاری اجتماعی از منظر قرآن کریم با تأکید بر نگاه علامه طباطبایی رحمهٔ الله علیه نگاشته شده که اعم از آیه ۲۰۰ آل عمران است و عوامل گوناگون همکاری‌های اجتماعی را در کل تفسیر المیزان بررسی کرده است.

اما مقاله حاضر تفسیری به طور جامع و از جهات گوناگون از مرابطه در جامعه را بر اساس آیه ۲۰۰ آل عمران ارائه و آیه را تبیین و تفسیر نموده و آراء علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی در تفسیر آیه را محور مباحث خود قرار داده است؛ همچنین جایگاه مرابطه در منظومه معارف اجتماعی اسلام و نقش مرابطه در جامعه‌سازی دینی در نیل جامعه به فلاح را بررسی نموده است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. مرابطه

مرابطه در لغت به معنای بستن چیزی و ملازمت و مواظبت بر چیزی است. خلیل فراهیدی ربط که ریشه مرابطه است را به معنی بستن و الرِّباط را به معنی آنچه که با آن چیزی را ببندند، دانسته است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۴۲۲/۷).

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-18]

همچنین بر مواظبت نسبت به جایی که در آن از یورش دشمن بترسند اطلاق می‌شود؛ مانند مرز و حدود میان دو دشمن؛ همچنین به بستن اسبان و خود اسب نیز اطلاق شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۴۲۲/۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۳۰۲/۷). ابن فارس نیز شدت، ثبات و ملازمت را از معانی ربط دانسته است (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ۴۷۸/۲). به نظر راغب اصفهانی رباط به معنی کاروانسرا از باب حفظ است؛ لذا معنای مرابطه محافظت بر چیزی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۳۳۸/۱).

مرابطه از باب مفاعله است و مفاعله دلالت بر انجام طرفینی کار دارد؛ در نتیجه مرابطه ماهیتاً امری اجتماعی است. در اصطلاح مفسران، طبرسی معتقد است برای هرکسی که در حصاری پناه گیرد و در آن از دشمنان بیرون حصار از خود دفاع کند استعمال شده است؛ همچنین به صف کردن و آماده نمودن اسبان برای مقابله با دشمن را معنای دیگر ربط دانسته است. از آنجا که مرابطه از باب مفاعله است؛ بنابراین به هر شکل که دشمن برای جنگ با شما لشکر و مرکب آماده می‌کنند شما نیز برای جنگ با ایشان فراهم نمایید (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۹۱۸/۲).

از منظر علامه طباطبایی مراد از مرابطه در آیه شریفه ۲۰۰ آل عمران جامعه‌سازی و برقرار کردن ارتباط و اتصال میان قوا، نیروها و کارهای آحاد جامعه در همه شئون زندگی است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۹۲/۴).

آیت الله جوادی نیز علاوه بر ذکر معنای لغوی، مرابطه را تحقق ارتباط بین مردم (وابسته شدن و وابستگی پیدا کردن) دانسته است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ۷۷۱/۱۶).

در نتیجه مرابطه ایجاد پیوندهای اجتماعی در راستای جامعه‌سازی و برقرار کردن ارتباط و اتصال میان قوا، نیروها و کارهای آحاد جامعه در همه شئون زندگی است تا با برقراری این روابط همه‌جانبه و هم‌افزایی اجتماعی در ساحت فکر و عمل آحاد جامعه، جامعه‌ای منسجم زیر لوای اولیای دین بر محور قرآن و معارف دینی شکل بگیرد.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-18]

۱-۲. صبر

صبر در لغت به معنی حبس و خود نگهداری و نقیض جزع و بی‌تابی است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۱۱۵/۷؛ ازهری، بی‌تا، ۱۲۱/۱۲؛ ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ۳۲۹/۳).

راغب اصفهانی نیز امساک در تنگنا و نگاه‌داشتن نفس از آنچه عقل و شرع دستور به نگاه‌داشتن از آن می‌دهند را معنای صبر می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۴۷۴/۱).

به نظر آیت الله جوادی آملی صبر، پایداری در برابر سختی‌ها و ناملایمات زندگی و خویشتن‌داری از شکایت به غیر خدا است و صابر کسی است که درصحنه‌های گوناگون آزمون، مانند انجام طاعت، پرهیز از معصیت و در تلخی مصیبت، بردباری و پایداری کند (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ۷۶۹/۱۶).

۱-۲-۱. اقسام صبر

صبر سه قسم است: صبر در اطاعت؛ صبر از معصیت؛ صبر بر مصیبت؛ چراکه که «طاعت» بدون صبر دشوار است؛ چنان که پرهیز از گناهان نیز که لذت‌ها و جاذبه‌های زودگذر نفسانی دارند، دشوار و نیازمند صبر است؛ نیز تحمل مصیبت و سوانح ناگوار، بدون رنج میسر نیست و صبر و بردباری را می‌طلبد (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ۷۸۰/۱۶).

مستند کلام آیت الله جوادی آملی در تقسیم صبر روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله است که می‌فرماید «**اَلصَّبْرُ ثَلاَثَةٌ صَبْرٌ عَلَى اَلْمُصِيبَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى اَلطَّاعَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى اَلْمَعْصِيةِ**... ؛ صبر بر سه قسم است: صبر در مصیبت و صبر بر طاعت و صبر از گناه، پس هرکه بر مصیبت صبر کند تا آن را با تسلی

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-18]

خوبی رد کند، خدا برایش ۳۰۰ درجه نویسد که میان هر درجه تا درجه دیگر به اندازه فاصله میان آسمان و زمین باشد و هرکه بر طاعت صبر کند، خدا برایش ۶۰۰ درجه نویسد که میان هر درجه تا درجه دیگر به اندازه فاصله میان قعر زمین تا عرش باشد و هرکه از گناه صبر کند، خدا برایش ۹۰۰ درجه نویسد که میان هر دو درجه به اندازه فاصله میان قعر زمین تا پایان عرش باشد» (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ۲۵۱/۳).

۱-۲-۲. تفاوت صبر و مصابره

مصابره باب مفاعله است و این نکته اصلی در تفاوت صبر و مصابره است که مفاعله دلالت بر انجام طرفینی کار دارد در نتیجه صبر امری فردی و مصابره امری اجتماعی دانسته شده است. علامه طباطبایی امر به صبر در آیه را به قرینه مقابله، صبر فردی دانسته؛ اما صابروا که به صیغه مفاعله آمده و به معنی مصابره است را تحمل اذیت‌ها به صورت دسته جمعی و به شکل هم‌افزایی اجتماعی می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ۹۱/۴).

آیت الله جوادی نیز معتقد است، مفسران کوشیده‌اند کلمه (صابِروا) و کلمه (رابِطوا) را به گونه‌ای معنا کنند که مقتضای هیئت باب مفاعله که میان دو طرف است در آن محفوظ بماند (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ۷۷۳/۱۶). ایشان نیز بر همین اساس معتقد است صبر گروهی مرحله برتر صبر است که اگر تحقق یابد سبب استواری و قوت نظام اجتماعی می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ۷۶۹/۱۶).

۱-۳. جامعه

واژه جامعه، مؤنث جامع و اسم فاعل از کلمه «جمع» و در لغت به معنای گرد آمدن، کنار هم قرار دادن اشیاء، نزدیکی جسمی به جسم دیگر یا چندین جسم به همدیگر و گروهی از مردم است. به نظر خلیل فراهیدی جمع بر گردآوردن دلالت دارد؛ همچنین اسمی است برای گروهی از مردمان و «جماعه» عدد هر چیز و کثرت

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-18]

تعداد آن است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۲۳۹/۱). به نظر ابن فارس و راغب اصفهانی جمع به معنای ضمیمه نمودن و پیوند و پیوستن چیزی به چیزی است (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ۴۷۹/۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۲۰۱/۱).

اجتماع در اصطلاح جامعه‌شناسان و فیلسوفان این فن، هیئت و ترکیبی است از اشخاص موجود؛ اما جامعه به وضع و حالت انسان‌ها یا حیواناتی گفته می‌شود که بر پایه قانونی مشترک زندگی کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش، ۲۵).

بوتومور از جامعه‌شناسان غربی می‌گوید: اینکه چگونه باید جامعه را تعریف کرد یا به معنای دیگر، حدود یک ساخت اجتماعی خاص را معین سازیم، موفق نشده‌ایم (بوتومور، ۱۳۷۰ش، ۱۲۴).

عده‌ای از جامعه شناسان معتقدند، جامعه به دسته‌ای از مردم گفته می‌شود که برای نیل به هدفِ عام المنفعه تعاون دارند. برخی دیگر نیز گفته‌اند جامعه گروهی از مردم‌اند که با اشتراک هم می‌کوشند وسایل زندگی خویش را تأمین کرده و نسل خود را ادامه دهند. عده‌ای دیگر در تعریف جامعه، هدف فرهنگی را لحاظ و آن را چنین تعریف کرده‌اند که جامعه دسته‌ای از مردم‌اند که دارای فرهنگ واحدی هستند (کینگ، ۱۳۴۹ش، ۴۸).

هنوز جامعه‌شناسان نتوانسته‌اند تعریفی دقیق از «جامعه» ارائه کنند؛ ولی از مجموع تعریف‌ها برای این واژه می‌توان تفاوت‌های زیر را برشمرد:

۱. جامعه، وضع و حالت انسان‌ها یا حیواناتی را گویند که بر اساس قانونی مشترک زندگی می‌کنند؛ اما اجتماع صرف گرد آمدن و نزدیکی دو یا چند چیز را گویند.

۲. جامعه انسانی می‌تواند بر اساس اراده انسان‌ها حالات و اقسام متعددی داشته باشد؛ اما اجتماع لزوماً چنین نیست.

۳. جامعه از اعضایی شکل گرفته و دارای هدف مشخصی است؛ لکن جمع شدن افراد مختلف و اجتماع کردن آنان چه بسا هدف معینی نداشته باشد.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-18]

۴. مطابق تعریف برخی از جامعه‌شناسان، جامعه ابداعی انسانی است که بر اساس قراردادهای جمعی شکل می‌گیرد؛ اما لازمه اجتماعی بودن گروه این چنین نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش، ۲۷).

شهید مطهری نیز جامعه را چنین تعریف نموده است «مجموعه‌ای از انسان‌ها که در جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده‌ها، ایده‌ها و آرمان‌ها در یکدیگر ادغام شده و در یک زندگی مشترک غوطه‌ورند» (مطهری، بی‌تا، ۱۸/۱).

در نتیجه می‌توان گفت جامعه گروه‌هایی از آحاد انسانی است که با یکدیگر وجوه مشترک و منافع مشترک دارند و بر این اساس با یکدیگر تعاملی پایدار جهت رفع نیازهای یکدیگر برقرار کرده‌اند؛ این گروه‌های انسانی ارتباطات و پیوندهای وسیع و گوناگون فکری، فرهنگی، اقتصادی و... با یکدیگر دارند و هر یک نقش ویژه‌ای در تحقق اهداف جامعه به عهده‌دارند؛ بر این اساس جامعه دینی جامعه‌ای است که وجه مشترک و نیاز عالی آحاد آن جامعه، دین است و همه ارتباطات و تعاملات اجتماعی در آن بر محور معارف دینی است.

مصداق‌شناسی مرابطه

مرابطه در قرآن کریم در آیه ۲۰۰ آل عمران مطرح شده است. سوره آل عمران به اتفاق تمام مفسران و دانشمندان علوم قرآن مدنی است. این سوره بعد از سوره انفال و قبل از سوره احزاب، هشتاد و نهمین سوره‌ای است که بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد (زرکشی، ۱۴۱۰ق، ۲۸۱/۱؛ بهجت‌پور، ۱۳۹۴ش، ۳۹۶).

سوره مبارکه «آل عمران» هم اصولِ معارف دینی را دربردارد و هم بسیاری از مسائل فرعی دین را مطرح نموده است. آیات مربوط به اصولِ معارف دین، مانند آیات توحیدی، آیات مربوط به وحی و رسالت، مانند آیه مباهله و آیات مربوط به

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-18]

فروع دین، مانند آیات جهاد که بسیاری از آنها در این سوره آمده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ۷۸۰/۱۶).

بر اساس قاعده «رد العجز الی الصدر» در علم بلاغت پایان گفتار یا نوشتار، عصاره معارف و مسائل طرح شده در متن است؛ بنابراین آخرین آیه با اولین آیه و سایر معارف سوره از نظر معنایی مرتبط است؛ آیات پایانی این سوره مبارکه نیز چکیده‌ای از مطالب و معارف سوره را در خود گردآورده و دورنمایی از معارف اصولی و مسائل فرعی مطرح شده در سوره است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ۷۸۰/۱۶). آیه ۲۰۰ راه دستیابی به همه معارف سوره است؛ چراکه لازمه فراگیری آنها داشتن ملکه صبر و استقامت است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ۷۷۱/۱۶).

در آیات قبل خداوند، پیامبر را از انفعال در برابر کفار بر حذر داشته و اهل کتاب را گونه‌شناسی می‌کند. گروهی از اهل کتاب که واقعاً ایمان دارند، در مقابل گروهی که دین فروشی می‌کنند. به نظر می‌رسد پس از دشمن‌شناسی و راهکارهای مقابله با دشمن در انتهای سوره، خداوند راهکارها و چگونگی ارتباط و حیات جمعی در جامعه مؤمنانه را در برابر جامعه کفر و شرک ترسیم نموده و مؤمنان را مکلف به جامعه‌سازی بر محور قرآن و رسول می‌کند.

۲. شأن نزول

در شأن نزول آیه شریفه روایاتی نقل شده که مبین معنا یا مصداق مرابطه است؛ مقصود از مرابطه در آیه شریفه بر اساس روایات، انتظار برای نماز، مرابطه با ائمه، جهاد و مرزبانی و امر به معروف و نهی از منکر است.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-18]

۳-۱. انتظار برای نماز

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که به ابوذر فرمود: آیا میدانی آیه اصبروا... در چه چیزی نازل شده؟ ابوذر فرمود: پدر و مادرم فدایت، معنایش را من نمی‌دانم. پیامبر خود فرمود: یعنی در انتظار برای نماز بعد بودن، سپس فرمود: ای اباذر کثرت رفت و آمد به مساجد همان مرابطه مطرح شده در آیه است (طبرسی، ۱۳۷۰ش، ۴۶۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۷۰/۸۰).

مرحوم طبرسی نیز روایاتی ذیل آیه شریفه از اهل بیت و صحابه نقل کرده که بر اساس روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و روایتی از امیر مؤمنان علی علیه السلام مراد از رابطوا منتظر ماندن برای نمازها یکی بعد از دیگری است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۹۱۸/۲).

قمی در روایت دیگری از امام رضا علیه السلام روایت کرده که در روز قیامت هنگامی که ندا می‌دهند، صابرین کجا هستند؟ عده‌ای از مردم بلند می‌شوند و هنگامی که ندا می‌دهند متصبرون کجا هستند؟ عده دیگری برمی‌خیزند، راوی می‌پرسد این دو گروه چه کسانی هستند؟ حضرت در جواب می‌فرماید: صابرون کسانی هستند که بر ادای فرائض صبر کردند و متصبرون کسانی هستند که بر اجتناب از محارم صبر کردند (قمی، ۱۴۰۴ق، ۱۲۹/۱).

اطلاق مرابطه به معنای انتظار برای نماز برای آن است که این عمل راه نفوذ شیطان را از نفس آدمی سد می‌کند و مانع از شهوات می‌شود که همان جهاد اکبر است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ۷۹۲/۱۶).

البته انتظار بعد از نمازی برای فرارسیدن وقت نماز بعدی، مصداق منحصرِ مرابطه نیست؛ بلکه مرابطه مصادیق نظامی، اجتماعی و مانند آن نیز دارد، گرچه در زمان خاصی مانند برهه‌ای از صدر اسلام، زمینه امتثال آن در مسائل نظامی یا اجتماعی نبوده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ۷۸۷/۱۶).

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-18]

همچنین صبر بر نمازهای پنج‌گانه، صبر بر مصیبت‌ها، صبر از گناهان، صبر بر همه واجبات، صبر بر دین و صبر بر تحمل آزار و اذیت در راه اولیای خدا و ائمه هدی علیهم السلام، همگی از مصادیق عموم و اطلاق امر (اصبِروا) است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ۷۸۸/۱۶).

۲-۳. جهاد و مرزبانی

شخصی از امام سجاد علیه السلام از شأن نزول آیه ۲۰۰آل عمران را می‌پرسد حضرت می‌فرماید: مرابطین از نسل ما خواهند بود (قمی، ۱۴۰۴ق، ۲۳/۲) ظاهراً مرابطه در این روایت به معنای جنگ و جهاد است؛ بنابراین مرزداران را نیز از همین جهت مرابطون می‌گفتند. شاید مقصود امام این بوده که مرابط و آن جنگی که به آن امر شده‌ایم هنوز زمانش نرسیده است؛ از نسل ما یک گروه مجاهدی خواهد آمد که رسالت آنان مجاهدت و جنگ است.

همچنین از امام باقر علیه السلام نقل شده که مراد از صبر در آیه صبر بر مصائب و دشمنان و لشکرکشی در مقابل دشمنان است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۹۱۸/۲). در روایتی نیز شأن نزول آیه، رسول خدا صلی الله علیه و آله، علی بن ابیطالب علیه السلام و حمزه سیدالشهداء دانسته شده است (کوفی، ۱۴۱۰ق، ۹۹). که با توجه به جهاد آنان در مقابل کفار است.

صبر بر دین، صبر بر وعده الهی، صبر برجهاد و لشکر کشی در برابر دشمنان نیز روایات دیگری است که طبرسی از صحابه در معنای آیه نقل کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۹۱۸/۲).

در نتیجه می‌توان گفت رباط به معنی مرزداری و محافظت از مرزها و آمادگی دائم برای صیانت از حدود و ثغور اسلامی، یکی از مصادیق آیه و مربوط به گروهی خاص و زمانی مخصوص است...، ایجاد رابطه با آحاد و افراد جامعه بر اساس آیه «واعتَصِموا بِحَبلِ اللهِ جَمیعاً ولاتَفَرَّقوا» و ارتباط با امام و اولیای دین و ائمه معصومین

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-18]

علیهم السلام نیز از دیگر مصادیق مرابطه در هر زمان و مکانی است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ۷۹۲/۱۶).

۳-۳. ارتباط با ائمه و اطاعت از آنان

مرابطه با ائمه از جمله شأن نزول‌هایی است که برای آیه شریفه نقل شده و می‌توان گفت کامل‌ترین مصداق مرابطه، ارتباط با اولیای دین و امامان معصوم علیهم السلام است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ۷۷۰/۱۶). این ارتباط که از بارزترین مصادیق آیه است، اگر حاصل شود، تضمین کننده سعادت و سیادت دنیا و آخرت مردم و نظام اسلامی است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ۷۹۲/۱۶).

عیاشی روایات متعددی با این مضمون نقل کرده که مراد از مرابطه برقراری مرابطه با ائمه علیهم السلام است. علامه مجلسی مرابطه با ائمه را اطاعت از ائمه و انقیاد نسبت به آنان و انتظار فرج آنان دانسته که نوعی معارضه و مبارزه با دشمنان اهل بیت است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۸۰/۸).

همچنین در تفسیر قمی از امام صادق علیه السلام، مرابطه با ائمه اهل بیت معنای «رابطوا» دانسته شده است (قمی، ۱۴۰۴ق، ۱۲۹/۱).

برقراری رابطه و ایجاد جامعه‌ای منسجم زیر لوای اولیای دین خدا نخستین وظیفه اسلامی و دینی است؛ بر اساس این وظیفه دینی باید جامعه‌سازی کرد و این جامعه دینی ساخته شده را حفظ کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ۷۹۲/۱۶).

البته ارتباط با ائمه اطهار علیهم السلام به عنوان یکی از معانی مرابطه نیز از باب «جری و تطبیق» است؛ زیرا هنگام نزول آیه شریفه، شخص پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله زمامدار مسلمانان بوده است و اینکه مسلمانان در هر عصری باید با امام و رهبر خود رابطه داشته باشند از مصادیق مرابطه است؛ اما معنای مرابطه، ارتباط مسلمانان با یکدیگر است (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش، ۲۱۳).

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-18]

۳-٤. امر به معروف و نهی از منکر

عیاشی از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه نقل کرده مراد این است که امر به معروف و نهی از منکر کنید (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ۲۱۲/۱).

یکی از مصادیق مرابطه اصل امر به معروف و نهی از منکر و اجرای آن توسط مردم و حاکمیت است. علامه طباطبایی معتقد است اسلام ضمانت اجرای تمامی احکامش را به عهده اجتماع گذاشت، علاوه بر اینکه حکومت و مقام ولایت اسلامی را نیز مأمور کرد تا سیاسات و حدود و امثال آن را با کمال مراقبت و تحفظ اجرا کند (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ۱۰۱/۴). مؤمنان نسبت به اجتماع، مانند دیده بانانی هستند که اجتماع خود را به سوی خیر سوق می‌دهند؛ یعنی امر به معروف و نهی از منکر نموده، حدود خدایی را حفظ می‌کنند، مؤمنان با امر به معروف و نهی از منکر اجتماع صالحی را به وجود می‌آورند (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ۳۹۶/۹).

در نتیجه شأن نزول‌های گوناگونی برای آیه شریفه نقل شده که بر اساس آن مرابطه مصادیق فراوان نظامی، اجتماعی و... دارد، مانند انتظار بعد از نمازی برای فرارسیدن وقت نماز بعدی، آمادگی و پابه‌رکاب بودن در راه خدا، مرزداری و محافظت از مرزها و آمادگی دائم برای صیانت از حدود و ثغور اسلامی، ایجاد رابطه با آحاد و افراد جامعه و ارتباط با اولیای دین و امامان معصوم علیهم السلام، امر به معروف و نهی از منکر؛ اما مفهوم آیه ارتباط مسلمانان با یکدیگر و همکاری‌های اجتماعی در راستای جامعه‌سازی بر محور دین است. همه این روایات می‌تواند مصادیق اوامر سه‌گانه باشد. علامه طباطبایی معتقد است اطلاق اوامر سه‌گانه در آیه، علت تفاوت این روایات است؛ چراکه این اطلاق شامل همه این مصادیق می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ۱۳۳/۴). آیت الله جوادی نیز معتقد است همه این روایات از باب تطبیق و بیان مصداق است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ۷۸۶/۱۶).

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-18]

مفهوم عام آیه، ایجاد رابطه با آحاد و افراد جامعه دینی در همه شئون است و اطلاق اوامر سه‌گانه در آیه علت تفاوت این روایات است و همه این روایات از باب تطبیق و بیان مصداق است.

۳. جایگاه مرابطه در منظومه معارف اجتماعی اسلام

مرابطه به معنای ترابط فکری و عملی مؤمنان در سطوح گوناگون اجتماعی جایگاه ویژه‌ای در منظومه معارف اسلام دارد که در ادامه درصدد تبیین آن هستیم.

۴-۱. ماهیت اجتماعی انسان

به گواه تاریخ و آثار به جای مانده از نخستین انسان‌ها، انسان موجودی است که فطرتاً به صورت اجتماعی خلق شده و همواره در روی زمین از آغاز تاکنون به صورت اجتماعی زیسته (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ۹۲/۴) و بر اجتماع و تعاون خلق شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ۱۱۱/۲). انسان برای رفع نیازهای خویش ناچار است در جامعه با همنوع خود زندگی کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش، ۲۵)؛ بنابراین به جهت بهره‌گیری از دیگران و به استخدام درآوردن آنان به زندگی اجتماعی روی آورده است (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش، ۴۲)؛ در نتیجه انسان مدنی بالطبع است و طبیعت استخدام‌گرا وی را به سمت زندگی اجتماعی می‌کشاند (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش، ۴۳). اولین نهاد اجتماعی شکل گرفته در جوامع انسانی نیز نهاد خانواده است که با ازدواج تحقق یافته و سایر نیازهای طبیعی انسان موجب می‌شود افراد دیگر را نیز برای رفع نیازهای خود به خدمت بگیرد و لازمه چنین امری بسط سلطه و تحمیل اراده شخص قوی‌تر بر ضعیف‌تر است. این روش به صورت مفهوم ریاست تجلی یافت و از نهادهای اجتماعی کوچک‌تر مثل خانواده و عشیره شروع شد تا نهادهای بزرگتری چون قبیله و امت که به صورت طبیعی کسی که قدرت، مال، شجاعت و فرزند

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-18]

بیشتری داشت رئیس می‌شد تا آنجا که هرکس دانایی بیشتری برای حکومت و سیاست داشت به ریاست رسید (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ۹۳/۴).

درنتیجه انسان فطرتاً اجتماعی خلق شده و همواره در روی زمین از آغاز تاکنون به صورت اجتماعی زیسته است. اجتماعی بودن انسان برای رفع نیازهای یکدیگر است و طبیعت استخدام‌گرای انسان، او را به سمت زندگی اجتماعی کشانده است. اولین نهاد اجتماعی شکل گرفته در جوامع انسانی نهاد خانواده است که با افزایش نیازها نهادهای بزرگ‌تر نیز به مرور شکل گرفته تا به امروز که جوامع شکل پیچده‌تر و گسترده‌تری به خود گرفته است.

۲-٤. تکامل بعد اجتماعی انسان و تلازم آن با دین

بعد اجتماعی روح انسان از ابتدا کامل نیست و همراه با تکامل مادی و معنوی انسان، بر محور رشد علم و اراده تکامل می‌یابد (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ۹۲/۴).

تجربه‌های پی در پی که در سایر انواع موجودات شده به طور قطع ثابت کرده که هر نوع از انواع موجودات در سیر تکاملی خود متوجه به سوی هدفی است که متناسب با خلقت وجود او است و نظام خلقت او را به سوی آن هدف سوق می‌دهد، انسان هم یک نوع از انواع موجودات است و از این قانون کلی مستثنا نیست.

اسلام هدف نهایی نوع بشر و کمالی است که بشر با غریزه خود رو به سویش می‌رود، چه توجه به این سیر خود داشته باشد و یا نداشته باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ۱۳۲/۴).

سعادت حقیقی انسان تسلط بر کرسی جسم و جان و تسلط بر حیات اجتماعی خویش با حظی است که می‌تواند از سلوک خود در دنیا و آخرت بگیرد، این همان اسلام و دین توحید است (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ۱۳۱/۴).

درنتیجه بعد اجتماعی روح انسان مانند سایر خصلت‌های روحی و ادراکی انسان دارای قابلیت رشد و تکامل است و هر نوع از انواع موجودات در سیر تکاملی خود

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-18]

متوجه به سوی هدفی است که متناسب با خلقت وجود او است و نظام خلقت او را به سوی آن هدف سوق می‌دهد. طلب سعادت حقیقی در فطرت نوع انسان به ودیعه سپرده شده و رسیدن به آن با تسلط بر حیات اجتماعی با تحقق اجتماعی دین حاصل می‌شود که یکی از بسترهای تحقق آن مرابطه در جامعه دینی است.

٤-۳. ماهیت اجتماعی دین اسلام

دین اسلام توجه خاصی به مسائل اجتماعی دارد و تنها دینی است که بنیانش بر اجتماع بنا شده علی رغم گستره دامنه اعمال انسان به اجناس، انواع و اصناف غیرقابل شمارش، دین اسلام همه احکام خود را به طور شگفت‌آوری بر آن اعمال، بسط و گسترش داده و همه این احکام را در قالب‌های اجتماعی ریخته است و روح اجتماع را به نهایت درجه امکان در کالبد احکامش دمیده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ۹۴/۴).

شدت اهتمام اسلام به امور اجتماعی نظیرش در هیچ یک از ادیان و سنن ملت‌های متمدن نیست؛ اسلام مهم‌ترین احکام و شرایع خود از قبیل حج، جهاد، نماز، انفاق و تقوای دینی را بر اساس اجتماع قرار داده است؛ علاوه بر اینکه قوای حکومت اسلامی را حافظ و مراقب تمامی شعائر دینی و حدود آن کرده، فریضه دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از تمامی منکرات را بر عموم واجب نموده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ۹۷/۴).

اسلام در برخی موارد به صورت مستقیم و در برخی موارد به صورت غیر مستقیم حکمی اجتماعی تشریع کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ۱۲۷/۴). با نگاه به تعالیم و دستورهای آسمانی اسلام می‌توان ابعاد اجتماعی آن را با سه منظر کلی بررسی کرد:

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-18]

۱. بخشی از احکام و تعالیم اسلام به گونه‌ای است که اجرا و اقامه آنها بدون شکل‌گیری جامعه و حضور مردم در عرصه اجتماعی، مقدور و میسور نیست؛ نظیر جهاد، حج، نماز جمعه، ادای امانت، امر به معروف و نهی از منکر و...

۲. در برخی تعالیم اسلام به اجتماع تصریح نشده است؛ لکن شارع نامستقیم حضور مردم را لازم شمرده است؛ مانند نماز جماعت، رسیدگی به مشکلات دیگران، عیادت بیماران، برآوردن حاجات مسلمانان، پرهیز از تعاون بر اثم و عدوان، تعاون بر قسط و عدل، تشییع جنازه، دادن قرض‌الحسنه به یکدیگر و...

۳. دستورها و تعالیم کلی اسلام یعنی خطوط کلی اسلام و مهم‌ترین بخش دین که اجتماعی است. اجتماعی بودن خطوط اصلی و کلی دین بدین معناست که بر مبنای فطرت انسانی، اساس اسلام، اجتماعی است؛ یعنی در جامعه اجرا شدنی است. گذشته از اینکه بخش عظیمی از اصول و کلیات دین، اجتماعی است، جنبه‌های عبادی و اخلاقی آن نیز در این راستا تشریع شده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش، ۲۱۵).

در نتیجه ماهیت اسلام دینی اجتماعی است و اسلام تنها دینی است که بنیانش بر اجتماع بنا شده است و علی رغم گستره دامنه اعمال انسان به انواع غیر قابل شمارش، دین اسلام همه احکام خود را بر همه آنها گسترش داده و همه این احکام را در قالب‌های اجتماعی ریخته است و روح اجتماع را به نهایت درجه امکان در کالبد احکامش دمیده است. در برخی موارد به صورت مستقیم حکمی اجتماعی تشریع شده و در برخی موارد به صورت غیر مستقیم، قوانین اجتماعی اسلام از بروز اختلاف‌های شدید که مایه تباهی ویرانی جامعه است، جلوگیری می‌کند و تحقق کامل آن با پیاده‌سازی مرابطه در جامعه اسلامی تأمین‌کننده سعادت جامعه است. مرابطه در جامعه دینی برای تحقق تسلط انسان بر حیات اجتماعی خود در راستای عینیت بخشی به دین و نیل به سعادت است.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-18]

٤-٤. نقش و اثر مرابطه در منظومه معارف اجتماعی اسلام

تکافل، تقوا، عدالت، تعاون، وقف، انفال، حجر و تفلیس، قضاء، خمس و زکات، تواصی، اخوت، مواسات، ایثار، نصرت و یاری، ولایت، حج، حدود و تعزیرات الهی، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد و... از جمله مرابطه در معارف و احکام اجتماعی اسلام هستند. تجلی فرمان مرابطه در پرتو همکاری و هم‌افزایی اجتماعی مؤمنان است. معارف و احکام اجتماعی اسلام مجموعه‌ای منسجم از حلقات یک سیستم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برای تحقق عینی یک جامعه دینی بر محور احکام و معارف اسلامی‌اند. جایگاه مرابطه در این منظومه، یعنی در سلسله مراتبی که بین این عناوین وجود دارد به منزله نخ تسبیح وحدت‌بخش و عینیت‌بخش به همه آنان است و به واسطه مرابطه یعنی ارتباطات منسجم اجتماعی میان مردم با مردم و حاکمیت با مردم و مردم با حاکمیت است که چنانچه به درستی تحقق یابد و هم‌افزایی اجتماعی مطلوب شکل بگیرد، مجموعه معارف اجتماعی اسلام در قالب یک نظام اجتماعی قابل تحقق خواهد بود. این هم‌افزایی و ارتباطات گسترده مؤمنان با هم و این ارتباط فکری و عملی حول محور قرآن، پیامبر و ولی جامعه، در قالب‌ها و ساختارهای منظم اجتماعی تأثیر شگفتی در بقاء، تحکیم و استمرار کل منظومه احکام اجتماعی اسلام دارد و موجب هم‌افزایی قوا و کارکرد کل جامعه و تسلط معنوی بر حیات اجتماعی با تحقق اجتماعی دین شده و زمینه برای گذر از نظام اجتماعی اسلام به تمدن اسلامی مهیا می‌شود.

۴. نقش مرابطه در جامعه‌سازی دینی

جامعه‌سازی دینی به تعبیر علامه طباطبایی هدف فرمان مرابطه در قرآن است و این فرمان با همکاری‌ها و هم‌افزایی‌های اجتماعی تحقق و عینیت پیدا می‌کند. در ادامه به بررسی نقش مرابطه در جامعه‌سازی دینی پرداخته خواهد شد.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-18]

۵-۱. مرابطه، هم‌افزایی قوای جمعی مؤمنان در ساخت جامعه دینی

آیه شریفه ۲۰۰ آل عمران دستوری برای جامعه‌سازی بر محور معارف دینی و مبتنی بر هم‌افزایی و ارتباطات اجتماعی در جمیع شئون دینی است که غایت اوامر مطرح‌شده در آیه شریفه رساندن جامعه به فلاح و سعادت دنیوی و اخروی است (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ۹۱/۴).

علامه معتقد است مسلمانان در عصر حاضر اجتماع فکری و تفکر اجتماعی و آزادی عقیده را از دست داده‌اند و سیره کلیسا بر آنان حاکم گشته و به دنبالش دل‌هایشان از هم جدا گردیده، ضعف و سستی عارضشان شده و مذهب‌ها مختلف و مسلک‌ها گوناگون شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ۱۳۱/۴)؛ در حالی که از منظر قرآن کریم آحاد جامعه دینی باید از منظر فکری ترابط داشته باشند و افکار خود را به هم پیوند داده و محکم کنند و در تعلیم و تعلم به هم درآمیزند تا از خطر هر حادثه فکری و هر شبهه‌ای که از ناحیه دشمن القا می‌شود در امان باشند (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ۱۳۰/۴).

۵-۲. مرابطه امری منحصر به مؤمنان

امر به مرابطه امری منحصر به مؤمنان است، مرابطه سازنده اجتماع دینی وظیفه مؤمنان در برقراری ارتباط فکری و عملی حول محور دین با اتصال همه قوا به هم و هم‌افزایی اجتماعی برای تحقق اهداف دین است.

دو امر (صابِروا ورابِطوا) مستقیم متوجه مؤمنان است؛ به این معنا که صبرهایتان را با هم تبادل کنید؛ نه اینکه هر یک به تنهایی صبر کنید (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ۷۷۴/۱۶)؛ زیرا صبر هر انسانی محدود است؛ بعضی زود می‌رنجند و خسته می‌شوند. اگر مصابره جایگزین صبر فردی شود و مرابطه جای حراست و نگهبانی انفرادی از

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-18]

مرزهای دینی را بگیرد، نقص ناشی از رنجش و خستگی بعضی با توانمندی و پایداری افراد دیگر ترمیم خواهد شد (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ۷۷۵/۱۶).

علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی مرابطه را امری در درون جامعه دینی تعریف و مرابطه را سازنده اجتماع دینی و خطاب به مؤمنان دانسته‌اند. این امر، وظیفه مؤمنان را در برقراری ارتباط فکری و عملی حول محور قرآن، پیامبر و ولی جامعه با اتصال همه قوا به هم و هم‌افزایی اجتماعی برای تحقق اهداف دین روشن می‌کند.

۳-۵. امر به مرابطه امری مولوی

دستور به مرابطه در آیه شریفه نیز دستوری مولوی است نه ارشادی. امر مولوی به امری گفته می‌شود که به انگیزه بعث و برانگیختن مکلف به انجام مأموربه در خارج صادر می‌شود؛ به بیان دیگر، امر مولوی عبارت است از طلب حقیقی چیزی از مکلف، به منظور رسیدن به مصلحت موجود در آن، به گونه‌ای که به امتثال آن پاداش و به مخالفت آن، کیفر داده می‌شود (مظفر، ۱۴۱۵ق، ۲۷۲/۱).

از آنجا که خدای متعال در این آیه شریفه خطابش متوجه مؤمنان است و چنانچه بیان شد از منظر علامه طباطبایی آیه شریفه مؤمنان را مکلف به جامعه‌سازی با ارتباطات گسترده بر محور قرآن می‌کند و از طرفی صبر، مصابره و مرابطه را مقید به تقوا و حفظ قصد قربت می‌کند -چنانچه آیت الله جوادی اینگونه تبیین فرمودند- لذا اوامر چهارگانه مولویت داشته و انجام آن واجب و ترک آن بر مؤمنان حرام است.

اصل در اوامر، مولویت است و خطاب در این آیه شریفه نیز متوجه مؤمنان است؛ در نتیجه مؤمنان را مکلف به جامعه‌سازی با ارتباطات گسترده بر محور قرآن می‌کند؛ همچنین صبر، مصابره و مرابطه را مقید به تقوا و حفظ قصد قربت که نشانه مولوی بودن حکم است و تکلیفی اجتماعی برای مؤمنان جهت نیل به فلاح در حیات اجتماعی ایجاد کرده است.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-18]

بر این اساس نقش مرابطه در جامعه دینی اتصال و ارتباط فکری و عملی مؤمنان در همه شئون بر محور دین است که این هم‌افزایی اجتماعی موجب تکامل جامعه و رفع نقایص فردی خواهد شد.

۵. نقش مرابطه در تحقق سعادت دنیوی و اخروی جامعه دینی

چنانچه مرابطه در پرتو همکاری‌های اجتماعی تجلی یابد و قرین با مصابره و تقوای جمعی گردد این همکاری‌ها و هم‌افزایی‌های اجتماعی با محوریت حاکم دینی و در راستای معارف دینی به سعادت دنیوی و اخروی جامعه منجر خواهد شد. در ادامه به بررسی نقش مرابطه در تحقق سعادت دنیوی اخروی جامعه دینی پرداخته خواهد شد.

۶-۱. تجلی فرمان مرابطه در پرتو همکاری و هم‌افزایی‌های اجتماعی مؤمنان

عینیت یافتن جامعه دینی و بسط اجتماعی اسلام بر پایه خواست و مشارکت حداکثری جامعه در قالب ساختارهای نظام‌مند اجتماعی، ارتباطات، همکاری‌ها و هم‌افزایی‌های گسترده اجتماعی است. آیت الله جوادی معتقد است بارِ معنوی فرمان مرابطه در پرتو همکاری اجتماعی متجلی است و سعادت و رستگاری بدون روح تعاون و پیوند اجتماعی کامل نخواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش، ۲۱۳).

مرابطه چون شامل همه همکاری‌های اجتماعی از جمله همکاری در زمینه صبر است اعم از صبر اجتماعی (صابروا) و صبر فردی (اصبرو) است؛ و میان این سه ارزش ارتباطی تشکیکی در قوت و ضعف است؛ یعنی صبر فردی مرحله‌ای پایین‌تر است و صبر جمعی قوت بیشتری داشته و مرابطه کمال آن است. از منظر علامه طباطبایی صبر امری فردی و مصابره صبر به صورت دسته‌جمعی است؛ اما مرابطه

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-18]

اعم از مصابره است؛ یعنی هم شامل صبر دسته‌جمعی است و هم شامل سایر همکاری‌ها و هم‌افزایی‌های اجتماعی در حوزه دین در همه شئون زندگی (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ۹۲/۴). «مصابره» در برابر دشمن (مصابره خارجی) به معنای استقامت در قبال پایداری طرف مقابل است و در کار خیر جمعی (مصابره داخلی) به معنای روی هم قرار دادن صبرها و با هم صبر کردن و کمک کردن به صبر دیگران و ترمیم ضعف‌های فردی با توان جمعی و ترمیم ناشکیبایی یکدیگر به حلم و بردباری خود است. صبر گروهی مرحله برتر صبر است که اگر تحقق یابد سبب استواری و قوت نظام اجتماعی می‌گردد. «مرابطه» نیز معنایی مشابه همین معنا دارد و طبق این معنا اگر مصابره جایگزین صبر فردی شود و مرابطه جای حراست و نگهبانی انفرادی را بگیرد، نقص ناشی از رنجش و خستگی بعضی با توانمندی و پایداری افراد دیگر ترمیم خواهد شد (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ۷۷۰/۱۶).

در نتیجه مرابطه شامل همه همکاری‌های اجتماعی از جمله همکاری در زمینه صبر است اعم از صبر اجتماعی (صابروا) و صبر فردی (اصبرو). میان سه ارزش صبر، مصابره و مرابطه ارتباطی تشکیکی در قوت و ضعف است، یعنی صبر فردی مرحله‌ای پایین‌تر است و صبر جمعی قوت بیشتری داشته و مرابطه کمال آن است. طبق فرمان (اصبِروا و صابِروا) انسان موظف است در کارهای فردی صبر انفرادی پیشه کند و در کارهای اجتماعی نیز با سایر هم‌نوعان خویش صبر کرده و ضعف دیگران را با صبر خود جبران کند. صبر گروهی مرحله برتر صبر است که اگر تحقق یابد سبب استواری و قوت نظام اجتماعی می‌گردد و مرابطه سبب اتصال همه قوای جامعه و پایداری جامعه در راستای نیل به فلاح اجتماعی خواهد شد.

۲-٦. نقش تقوا در کنار مصابره و مرابطه برای نیل به سعادت اجتماعی

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-18]

تقوا تکمیل‌کننده صبر، مصابره و مرابطه است و پیاده‌سازی این سه در جامعه، زیر سایه تقوا جامعه را به فلاح تام می‌رساند.

در نگاه علامه طباطبایی با توجه به اینکه مراد از امر به صبر، مصابره و مرابطه رسیدن به حقیقت سعادت و رستگاری در دنیا و آخرت است و با این امور انسان به بخشی از سعادت دنیوی و اخروی می‌رسد نه تمام آن، برای اکمال سعادت در ادامه دستور به تقوا داده می‌شود که رستگاری تام حقیقی است (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ۹۲/۴).

از منظر آیت الله جوادی علت ذکر تقوا آن است که روشن شود اطاعت از اوامر سه‌گانه فقط اختصاص به فلاح در دنیا ندارد و شامل آخرت نیز می‌شود؛ چراکه آیه با خطاب به مؤمنان راجع به صبر، مصابره و مرابطه آغاز می‌شود و با فرمان به تقوا پایان می‌پذیرد و ثمره آن که فلاح است بازگو می‌شود تا کسی نپندارد فرمان (اصبِروا)، (صابِروا) و (رابِطوا) تنها برای بهره دنیوی است؛ بلکه صبر، مصابره و مرابطه همراه تقوا، خیر دنیا و سعادت اخروی را به ارمغان می‌آورد و از مجموع خیر و سعادت دنیایی و آخرتی به «فلاح» تعبیر می‌شود. فصل مقوم احکام مزبور (صبر، مصابره و مرابطه) همان تقواست و پروای الهی در هر موردی حکمی خاص دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ۷۷۸/۱۶).

در نتیجه تقوا تکمیل کننده صبر، مصابره و مرابطه است و پیاده‌سازی این سه در جامعه زیر سایه تقوا جامعه را به فلاح تام می‌رساند. رستگاری جامعه بدون روح تعاون و پیوند اجتماعی کامل نخواهد بود و علت ذکر تقوا آن است که روشن شود اطاعت از اوامر سه‌گانه فقط اختصاص به فلاح در دنیا ندارد و شامل آخرت نیز می‌شود.

۳-٦. تأثیر ارزش‌های چهارگانه در نیل جامعه به فلاح

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-18]

تأثیر ارزش‌های چهارگانه فوق در اجتماعی بودن جمیع شئون دین اسلام و معارف اساسی اسلام تجلی می‌یابد (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ۱۲۷/۴). عمل به این ارزش‌ها و پیاده‌سازی آن در جامعه موجب حل اختلافات، تضادها و تعارضات اجتماعی منجر به فساد و انحلال جامعه می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ۱۲۹/۴)؛ و جامعه‌ای را بر محور معارف حق ایجاد می‌کند که آحاد جامعه با یکدیگر ترابط فکری و عملی دارند و با هم‌افزایی اجتماعی و وحدت در سایه تقوای جمعی، فلاح دنیوی و اخروی را برای جامعه خود به ارمغان می‌آورند (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ۱۳۰/۴).

لذا می‌توان گفت هر یک از این ارزش‌ها موجب تقویت و شکوفایی ارزش دیگر شده و دیگری را تکامل می‌بخشد. صبر فردی پشتوانه صبر جمعی و صبر جمعی تکامل یافته صبر فردی است که با مرابطه میان آحاد جامعه و امام جامعه بر محور تقوای الهی موجب تحقق و عینیت ارزش‌ها در جامعه می‌شود.

چنانچه اوامر سه‌گانه مطرح در آیه به همراه تقوای الهی در جامعه نهادینه سازی شود، نتیجه آن فلاح جامعه خواهد بود. صبر، مصابره و مرابطه همراه تقوا، خیر دنیا و سعادت اخروی را به ارمغان می‌آورد و از مجموع خیر و سعادت دنیایی و آخرتی به «فلاح» تعبیر می‌شود؛ اما هر کدام از آنها بدون یکدیگر و بدون تقوای الهی منجر به فلاح نخواهد شد؛ بر این اساس، هرکه برای رسیدن به منافع دنیوی محض صبر کند، به امر (اصبِروا) عمل نکرده است و به «فلاح» نخواهد رسید؛ زیرا خداوند به صبر در سایه تقوا فرمان داده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ۷۷۸/۱۶).

مصابره با تقوا مستلزم آن است که انسان در مسائل اجتماعی نیز با صبر نظریه دیگران را بشنود و آن را تحمل کند؛ زیرا در امور اجتماعی اگر نظریه یک نفر با دیگران موافق نباشد، فرد باید برای طرح آرای دیگران آماده باشد و جلوگیری از نظریه‌پردازی یا ارائه نظر، با کیان مصابره هماهنگ نیست؛ وگرنه توافق آرای همگان ممکن نیست و با رأی اقلیت نیز نمی‌توان هیچ نهاد یا ارگان یا کشوری را اداره کرد و کارهای جمعی را به فرجام رسانید (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ۷۷۹/۱۶)؛ همچنین

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-18]

بارِ معنوی فرمان مرابطه در پرتو همکاری اجتماعی متجلی است و سعادت و رستگاری جامعه بدون روح تعاون و پیوند اجتماعی کامل نخواهد بود؛ از همین رو بعد از فرمان مرابطه می‌فرماید: «**واتَّقُوا اللهَ لَعَلَّكُم تُفلِحُون**» (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش، ۲۱۳).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش که به بررسی مرابطه در جامعه دینی از دیدگاه علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی با تأکید بر آیه: «**يأَيهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ اصْبِرواْ وَ صَابِرُواْ وَ رَابِطُواْ**» (آل عمران، ۲۰۰) پرداخته شده است، نتایج زیر به دست آمده است:

۱. مرابطه ایجاد پیوندهای اجتماعی در راستای جامعه‌سازی و برقرار کردن ارتباط و اتصال میان قوا، نیروها و افعال و کارهای آحاد جامعه در همه شئون زندگی است تا با برقراری این روابط همه‌جانبه، جامعه‌ای منسجم زیر لوای اولیای دین بر محور قرآن و معارف دینی شکل بگیرد.

۲. مصادیق و شأن نزول‌های گوناگونی برای آیه شریفه از جمله انتظار برای نماز، مرابطه با ائمه، جهاد و مرزبانی و امر به معروف و نهی از منکر نقل شده است؛ اما مفهوم عام آیه، ایجاد رابطه با آحاد و افراد جامعه دینی در همه شئون است و این روایات از باب تطبیق و بیان مصداق است.

۳. انسان فطرتاً اجتماعی خلق شده و اجتماعی بودن انسان ریشه در قاعده استخدام و برای رفع نیازهای یکدیگر است؛ ماهیت اسلام اجتماعی است و علی رغم گستره دامنه اعمال انسان، همه احکام خود را بر همه رفتارهای بشر گسترش داده، احکام را در قالب‌های اجتماعی ریخته و روح اجتماع را به نهایت درجه امکان در کالبد احکامش دمیده است. تحقق کامل اسلام اجتماعی با پیاده‌سازی مرابطه در جامعه اسلامی به وقوع می‌پیوندد.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-18]

۴. نقش مرابطه در جامعه دینی اتصال و ارتباط فکری و عملی مؤمنان در همه شئون بر محور دین است که این هم‌افزایی اجتماعی موجب تکامل جامعه و رفع نقایص فردی خواهد شد. میان سه ارزش صبر، مصابره و مرابطه ارتباطی تشکیکی در قوت و ضعف است و مرابطه کمال آن است. مرابطه سبب اتصال همه قوای جامعه و پایداری جامعه در راستای نیل به فلاح اجتماعی خواهد شد. تأثیر ارزش‌های چهارگانه فوق در اجتماعی بودن جمیع شئون دین اسلام و معارف اساسی اسلام تجلی می‌یابد که عمل به آن و پیاده‌سازی آن در جامعه موجب حل اختلافات و تضادها و تعارضات اجتماعی منجر به فساد و انحلال جامعه می‌شود و جامعه‌ای بر محور معارف حق ایجاد می‌شود. چنانچه اوامر سه‌گانه مطرح در آیه به همراه تقوای الهی در جامعه نهادینه سازی شود، نتیجه آن فلاح جامعه خواهد بود. هر کدام از آنها بدون یکدیگر و بدون تقوای الهی منجر به فلاح نخواهد شد.

۵. علامه طباطبایی مرابطه را جامعه‌سازی بر محور معارف دینی و برقرار کردن ارتباط و اتصال میان قوا، نیروها و افعال و کارهای آحاد جامعه در همه شئون زندگی دانسته است و آیت الله جوادی، مرابطه را ایجاد رابطه با آحاد و افراد جامعه دینی تعریف کرده است؛ اما هر دو مفسر بر این نکته اتفاق نظر داشتند که معانی متعددی که در روایات برای مرابطه ذکر شده از باب مصداق و جری و تطبیق است. علامه بر نکته جامعه‌ساز بودن فرمان مرابطه تأکید بیشتری داشته و آیت الله جوادی بر هم‌افزایی نیروها با فرمان مرابطه تأکید نمودند؛ همچنین در تبیین رابطه میان ارزش‌های چهارگانه در رساندن جامعه به فلاح دنیوی و اخروی مطالب آیت الله جوادی بسط بیشتری داشت.

۶. معارف و احکام اجتماعی اسلام، مجموعه‌ای منسجم از حلقات یک سیستم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برای تحقق عینی یک جامعه دینی بر محور احکام و معارف اسلامی‌اند. جایگاه مرابطه در این منظومه یا به عبارتی در سلسله مراتبی که بین این عناوین وجود دارد، به منزله نخ تسبیح وحدت‌بخش و عینیت‌بخش به همه

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-18]

آنان است. به واسطه مرابطه یعنی ارتباطات منسجم اجتماعی میان مردم با مردم و حاکمیت با مردم و مردم با حاکمیت است که چنانچه به درستی تحقق یابد و هم‌افزایی اجتماعی مطلوب شکل بگیرد، مجموعه معارف اجتماعی اسلام در قالب یک نظام اجتماعی قابل تحقق خواهد بود. این هم‌افزایی و ارتباطات گسترده مؤمنان با هم و این ارتباط فکری و عملی حول محور قرآن، پیامبر و ولی جامعه در قالب‌ها و ساختارهای منظم اجتماعی تأثیر شگفتی در بقاء، تحکیم و استمرار کل منظومه احکام اجتماعی اسلام دارد؛ همچنین موجب هم‌افزایی قوا و کارکرد کل جامعه و تسلط معنوی بر حیات اجتماعی دین شده و زمینه را برای گذر از نظام اجتماعی اسلام به تمدن اسلامی مهیا می‌سازد.

منابع

- **قرآن کریم**

۱. ابن فارس، احمد بن فارس، ۱۳۹۹ق، **معجم مقاییس اللغة**، تحقیق: عبد السلام محمد هارون، بیروت: دارالفکر.

۲. ابن منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۱۴ق، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر، چاپ سوم.

۳. ازهری، محمدبن احمد، بی‌تا، **تهذیب اللغه**، نسخه غیرمصححه، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

٤. بهجت‌پور، عبدالکریم، ۱۳۹۴ش، **شناخت نامه تنزیلی سوره‌های قرآن کریم**، قم: موسسه تمهید.

٥. بحرانی، هاشم بن سلیمان، ۱۴۱۵ق، **البرهان فی تفسیر القرآن**، قم: مؤسسة البعثة، مرکز الطباعة و النشر.

٦. باتومور، تی. بی، ۱۳۷۰ش، **جامعه شناسی**، ترجمه: حسن منصور، حسن حسینی کلجاهی، تهران: امیرکبیر.

۷. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸ش، **تسنیم**، تحقیق: عبدالکریم عابدینی، قم: اسراء.

۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹ش، **جامعه در قرآن**، تحقیق: مصطفی خلیلی، قم: اسراء.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-18]

۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، **المفردات فی غریب القرآن**، تحقیق: صفوان عدنان الداودی، دمشق بیروت: دار القلم، الدار الشامیة.
۱۰. زرکشی، محمدبن عبدالله، ۱۴۱۰ق، **البرهان فی علوم القرآن**، بیروت: دار المعرفة، چاپ اول.
۱۱. ساموئل، کینگ، ۱۳۴۹ش، **جامعه شناسی**، ترجمه: مشفق همدانی، تهران: امیرکبیر.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۹۰ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
۱۳. طبرسی، حسن بن فضل، ۱۳۷۰ش، **مکارم الأخلاق**، قم: الشریف الرضی، چاپ چهارم.
۱٤. طبرسی، حسن بن فضل، ۱۳۷۲ش، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تصحیح: یزدی طباطبایی، فضل‌الله رسولی، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.
۱۵. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ق، **تفسیر العیاشی**، تحقیق/ تصحیح: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمیة، چاپ اول.
۱٦. فراهیدی، خلیل، ۱۴۰۹ق، **العین**، تحقیق: الدکتور مهدی المخزومی، الدکتور ابراهیم السامرئی، ایران: مؤسسة دار الهجرة، چاپ دوم.
۱۷. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ق، **تفسیر القمی**، تحقیق/ تصحیح: طیب موسوی جزائری، قم: دار الکتاب، چاپ سوم.
۱۸. کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ق، **تفسیر فرات الکوفی**، تحقیق/ تصحیح: محمد کاظم، تهران: مؤسسة الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی، چاپ اول.
۱۹. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، **بحارالانوار** (ط- بیروت)، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، چاپ دوم.
۲۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۴ق، **مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول**، تحقیق/ تصحیح: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ دوم.
۲۱. مطهری، مرتضی، بی‌تا، **جامعه و تاریخ**، تهران: صدرا.
۲۲. مظفر، محمدرضا، ۱۴۱۵ق، **اصول الفقه**، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-18]